

صراط ؛ تقدیر و تقبیح انسان

کلمه انسان بیش از 50 بار در قرآن کریم با مذمت ذکر شده؛ انسان عجول است، انسان ظلوم است، انسان جاهل و انسان قنوتور است؛ «كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»...



کلمه انسان بیش از 50 بار در قرآن کریم با مذمت ذکر شده؛ انسان عجول است، انسان ظلوم است، انسان جاهل و انسان قنوتور است؛
« كَانِ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (1)؛

[در] این مذمت‌های فراوان بیش از پنجاه موردی که در قرآن، ذات اقدس الهی درباره انسان دارد انسان مصداق « إِيَّايَ جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (2)؛ نیست. فرمود این انسان 2 بخش دارد؛ « إِيَّايَ خَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ (3)؛ و « فِإِذَا سَوَّيْتُهُ وَتَفَخَّتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي (4)؛. او روحش خلیفه‌الله است، به فطرت برمی‌گردد. به ماورای طبیعت برمی‌گردد. تمام مدح‌های قرآن ناظر به این بخش فطری انسان است؛ کریم است، خلیفه‌الله است، متقرب الی‌الله است کذا و کذا و تمام نقص‌های بیش از پنجاه موردی قرآن نیز به همین طبیعت او برمی‌گردد؛ طبیعی فکر می‌کند... از دنیا به عاجله‌ای نقل کردند.

دنیا دوست عجول است. فرمود: « كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ (5)؛ و « الْآخِرَةَ خَيْرٌ (6)؛. انسان عجول، انسان دنیا طلب است. در همین سوره مبارکه « اسراء (7)؛ بعد از چند آیه دنیا را به‌عنوان عاجله یاد می‌کند و در برابر آخرت آیه 18 همین سوره مبارکه « اسراء (8)؛ فرمود: « مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا * وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (9)؛ هر کسی دنیا مدار است می‌شود عجول، هر کسی آخرت مدار است می‌شود عاقل و صبور.

اکثر انسان‌ها چون در تصمیم‌گیری‌شان، در اندیشه و انگیزه خام‌اندیش‌اند، خام‌خواه می‌شوند؛ وَ كَانِ الْإِنْسَانُ عَجُولًا...؛ يك بيان نورانی از وجود مبارك حضرت امير هست که در نامه 53 نهج‌البلاغه مرقوم فرموده‌اند. این چنین است: « وَ إِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا (10)؛ قبل از اینکه کار به نصابش برسد، به فرصت برسد شما شتاب نکنید؛ « أَوْ التَّسَقُّطَ فِيهَا عِنْدَ امْكَانِهَا أَوْ اللَّجَاجَةَ فِيهَا (11)؛.

« ثَبُطٌ (12)؛ با « ثَاءٌ (13)؛ مثلثه و « طَاءٌ (14)؛ یعنی گندی؛ همان معنی « بَطٌ (15)؛ می‌دهد. « ثَبُطُهُمُ اللَّهُ (16)؛ یعنی خدا اینها را « أَخْرَهُمُ اللَّهُ (17)؛ فرمود وقتی وقتش شده چرا تأخیر می‌اندازید؟ اینجا جای سرعت است برای اینکه وقتی وقت شد هیچ تصادفی، هیچ تمناعی، هیچ تراحمی در کار نیست؛ تازه دستور سرعت هم داده شده: « سَارِعُوا إِلَيَّ مَغْفِرَةً (18)؛. قبلا هم عرض شد در میدان فضایل، میان مسابقه « عَرَضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ (19)؛ سبقت بگیرید.

خب، آدم تا نداند نصاب این کار چیست که نمی‌تواند تصمیم بگیرد؛ باید کارشناسی کند، مشورت کند، در خطبه 150 هم مشابه این فرمایش را فرمودند. آغاز این خطبه آمده « وَ أَحَدًا يَمِينًا وَ شِمَالًا طَعْنًا فِي مَسَالِكِ الْعَيِّ وَ تَرَكَا لِمَذَاهِبِ الرُّشْدِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوا مَا هُوَ كَائِنٌ مُرْصَدٌ وَ لَا تَسْتَبْطِنُوا مَا يَجِيءُ بِهِ الْعَدُوُّ فَكُمْ مِنْ مُسْتَعْجِلٍ يَمَّا أَنْ أَدْرَكَهُ وَ دَأْبُكُمْ لَمْ يُدْرِكْهُ (20)؛ فرمود: عجله نکنید خیلی از موارد است که انسان شتابان به دنبال کار می‌رود بعد می‌گوید ای کاش نبود! خب چرا این کار را می‌کنید؟

کاری که برای فرداست نگویند دیر شد، استبطاء نکنید، بطيء بشمارید چیزی که فرصتش نیامده، هنوز وقتش نیامده؛ « وَ لَا تَسْتَبْطِنُوا مَا يَجِيءُ بِهِ الْعَدُوُّ (21)؛. اینها نموداری از « إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلتي هِيَ أَقْوَمٌ (22)؛ خواهد بود که مسائل علمی و عملی را کنار هم ذکر می‌کند خب، پس بنابراین اینکه فرمود « وَ يَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ (23)؛ به همین صورت خواهد بود چون انسان عجول است ولی اگر ماورای طبیعت را تقویت بکند دیگر عجله‌ای در کار نیست و می‌شود سرعت.

نکته دیگر اینکه عجله، صفت انسان است و سرعت، صفت حرکت نه متحرك و از اوصاف ذات اقدس الهی هم هست؛ خدا سریع‌الرضا است برای يك عده، سریع‌العقاب است برای يك عده دیگر اما عجول نیست چون عجله برای قبل از فرصت است، قبل از وقت است. « سُرْعَتٌ (24)؛ محمود و ممدوح است و « عَجَلَةٌ (25)؛ مذموم و رازش این است که سرعت بعد از نصاب است و عجله قبل از نصاب.

1. كهف/ 54، 2. بقره/ 30، 3. ص/ 71، 4. حجر/ 29، 5. قیامت/ 20، 6. نساء/ 77، 7. آل عمران/ 133.
آیت‌الله عبدالله جوادی آملی